

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قلم

استاد ضرابی دی لغایت اسفند ۱۴۰۰

جلسه ششم ۱۴۰۱/۲/۶

آیات شریفه: « فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَتْ
كَالْصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
صَارِمِينَ (۲۲) فَأَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳) أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ
مُسْكِينٌ (۲۴) وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶) بَلْ
نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷) قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ (۲۸) قَالُوا سُبْحَانَ
رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹) فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوُمُونَ (۳۰) قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا
كُنَّا طَاغِينَ (۳۱) عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲) - كَذَلِكَ
الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) - پس در حالی که آنان غنوده
بودند بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش در آمد (۱۹) و آن باغ
[سرسبز] همچون شب سیاه و ظلمانی شد. (۲۰) صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند
(۲۱) که بسوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه‌ها را دارید!
(۲۲) آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می‌گفتند (۲۳) مواظب باشید
امروز حتی يك فقير وارد بر شما نشود (۲۴) (آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند
که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند. (۲۵) هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن
را دیدند گفتند: «حقا» ما گمراهیم! (۲۶) (آری، همه چیز از دست ما رفته) بلکه
ما محرومیم (۲۷) یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت آیا به شما نگفتم چرا
تسبیح خدا نمی‌گویید؟ (۲۸) گفتند: منزله است پروردگار ما، مسلما ما ظالم بودیم
(۲۹) سپس روبه یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (۳۰) (و فریادشان بلند شد)
گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم (۳۱) امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و)
بهتر از آن به جای آن به ما بدهد چرا که ما به او علاقه‌مندیم (۳۲) عذاب [دنیا]
چنین است و عذاب آخرت اگر می‌دانستند قطعا بزرگتر خواهد بود (۳۳) »

عنوان: در بلا هم می‌چشم لذات او !

« فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ » پس از اینکه خداوند فرمود: «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند خوردند که صبحگاهان دور از چشم مستمندان میوه‌های باغ را بچینند و در این تصمیمشان نه اراده و خواست خدا را در نظر گرفتند (انشاءالله نگفتند) نه رضای او را (ادای حق نیازمندان را که خدا معین نموده بود - فی اموالهم حق للسائل و المحروم) عذاب آنها را فرا گرفت؛ چرا که دو گناه بزرگ انجام دادند اول اینکه جهان را بدون اراده و نقش خدا دیدند (از سر غفلت نه بی‌اعتقادی)

دوم اینکه فرمان او را که حقی برای نیازمندان در اموال مال داران قرار داده، اطاعت نکردند این دو خطای بزرگ از آنجا که یک ابتلای فراگیر است و غالب مومنان به آن دچار می‌شود، خداوند مجرای اصحاب باغ را برای عبرت آنها بیان می‌کند. در شرح مجرای اصحاب باغ نکاتی در آیات قرآن برجسته شده است؛ وقتی نیت شوم آنها در دلشان محکم شد در پشت پرده عالم طبیعت در اثر آن حوادثی شکل گرفت: « فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ » اثرش این شد که به اراده خدا عذابی شب هنگام درحالی که آنها خواب بودند (و در غفلت از خدا بودند) بر باغ آنها (باغ خصوصیتی ندارد، می‌تواند بجای باغ هر نعمت دیگری چون ثروت و فرزند و اعتبار و غیر آن باشد) فرود آمد. « فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ » و آن باغ [سرسبز] همچون شب سیاه و ظلمانی شد. این تباهی در مال قابل جبران است اما چیزهای دیگر ممکن است هرگز جبران نشود مثل تباهی شعور و ادراک معنویات، بطلان نماز سالهای طولانی و یا انتقال انحراف در نسل و اولاد و دیگر چیزها؛ « ... قَالَ.. الْمُحَاقُّ وَ فِيهِ قَتْلَ قَابِلُ هَابِيلَ (علیه السلام) أَخَاهُ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ أُلْقِيَ إِبْرَاهِيمُ (علیه السلام) فِي النَّارِ وَ ... يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ أَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ... - روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد جامع کوفه بود، مردی از اهالی شام گفت: «ای امیرالمؤمنین (علیه السلام) ... مرا از روز چهارشنبه مطلع کن و اینکه فال بد می‌زنیم و آن روز برای ما سنگین می‌آید، کدام چهارشنبه است؟» فرمود: «چهارشنبه آخر ماه است. در آن چهارشنبه قابیل برادرش هابیل را کشت و ابراهیم را در آتش افکندند و روز چهارشنبه او را در منجنیق قرار دادند. روز چهارشنبه فرعون را خدا غرق کرد. روز چهارشنبه خداوند قریه لوط را زیرورو کرد. در روز چهارشنبه خداوند باد سهمگین بر قوم

عاد فرستاد. روز چهارشنبه آن باغ [سرسبز] همچون شب سیاه و ظلمانی شد روز چهارشنبه خداوند پشه را بر نمرود مسلط کرد» (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۰)

افسوس که عمر در بطالت بگذشت با بار گنه، بدون طاعت بگذشت
فردا که به صحنه مجازات روم گویند که هنگام ندامت بگذشت

« فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ أَنْ اَعْدُوا ... - اصحاب باغ یکدیگر را صبحگاهان صدا زدند که اکنون به سوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید. آن ها حرکت کردند درحالی که آهسته با هم می گفتند مواظب باشید امروز حتی يك فقیر در آن باغ بر شما وارد نشود.» اگر بخواهیم از گفتگوی اصحاب باغ یک پیام عام و همه شمول (با توجه به محور بحث این سوره که حقیقت قرآن و نگارش قوانین، سنت ها و اسرار عالم آفرینش است - ن والقلم و ما یسطرون) استفاده کنیم، می توانیم بگوئیم که این گونه سخنان مشمول نهی آیه ۹ سوره مجادله است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ - ای کسانی که ایمان آورده اید، شما هر گاه با هم، سخنی به راز گوئید هرگز بر بزهکاری و دشمنی و مخالفت رسول نگوئید بلکه بر نیکویی و تقوا راز به میان آرید و از خدا که به سوی او محشور خواهید شد بترسید و پرهیزکار شوید».

چاک خواهم زدن این دلق ریایی چکنم روح را صحبت نا جنس عذابست الیم

خداوند متعال برای نشان دادن تاثیر نیت های پلید دوباره تاکید می کند که « وَ غَدُوا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ - آن ها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند» یعنی اینکه نیتها خوب و بد در این عالم کارگر است! پیامبر اکرم (ص) در نصایح خود به ابوذر فرمود: «یا اباذر لیکن لک فی کل شیء نیه حتی فی النوم والاکل - ای ابوذر! باید برای هر چیزی حتی خوابیدن و خوردن دارای نیت باشی.» (مکارم الأخلاق: ۲ / ۳۷۰ / ۲۶۶۱) و نیز فرمود: «انما الاعمال بالنیات- همانا کردارها بستگی به نیت ها دارند.» (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۴ و ۱۵۶) امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - خداوند در روز قیامت مردم را مطابق نیت هایشان محشور می کند.» (المحاسن: ۱ / ۴۰۹ / ۹۲۹)

پس از جنگ جمل، و پیروزی سپاه امیرمومنان علی (ع) بر سپاه دشمن، شخصی از یاران آن حضرت به محضرش آمد و عرض کرد: ای کاش برادرم در این

جنگ حاضر بود و این پیروزی ها را می دید و از پاداش این جهاد بهره مند می گردید. حضرت علی (ع) به او فرمود: «آیا قصد و خواسته برادرت این بود که ما پیروز شویم؟» او عرض کرد: آری. فرمود: «فقد شهدنا- بنابر این او نیز در این نبرد با ما بوده و شرکت داشته است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲) در یکی از جنگ های عصر پیامبر (ص) یکی از رزمندگان اسلام در میدان جنگ از دور به یک دشمن که سوار بر الاغ زیبا و چالاکی بود نگریست، با خود گفت: عجب الاغی است، اگر او را در ملک خود بیاورم، به نیکو متاعی رسیده ام، تصمیم گرفت برای به غنیمت گرفتن آن الاغ به دشمن حمله کند، با همین نیت به دشمن حمله کرد، ولی در این حمله کشته شد، مسلمانان که به نیت آلوده و انحرافی او پی برده بودند، او را شهید راه الاغ خواندند و با عنوان "شهید الحمار" جنگ بی محتوای او را تخطئه کردند. (استعاذه/ ص ۴۵) علت این امر در قرآن چنین بیان گردیده: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بَاذَنَ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا - سرزمین پاکیزه و (شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما از سرزمین های بد طینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش نمی روید.» (اعراف/ ۵۸) نتیجه ای را که اصحاب باغ از نیت پلید خود دیدند این چنین بیان کردند: «لَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ - هنگامی که [وارد باغ شدند و] آن را دیدند گفتند: ما راه را اشتباه رفتیم (حقاً ما گمراهیم) بلکه ما محرومیم [و همه چیز از دست ما رفته است].»

گر طالب راه حق شوی ره پیدا است
او راست بود با تو، تو گر باشی راست
وانگه که باخلاص و درون صافی
او را باشی بدان که او نیز تراست
« قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ - آنکه از همه ی آنها عاقل تر
(عادل ترین آنها در سخن گفتن) بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گوئید (چرا طلب غفران و آمرزش نمی کنید)؟! این حادثه سهمگین آنها را که اهل ایمان بودند از خواب غفلت بیرون آورد و همگی متفق القول گفتند: « قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ » در برابر نتیجه پشیمان کننده نیت شومی که داشتند چاره ای نداشتند جز اینکه بگویند: «منزّه است پروردگار ما، به یقین ما ستمکار بودیم.» سپس رو به یکدیگر کرده به سرزنش هم پرداختند. ولی این سرزنش آنان در آن روز در وقتی بود که خود را در برابر قدرت خدا [تسلیم یافتند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: « خداوند! از تو طلب آمرزش می کنم به خاطر هر

گاهی که باعث روسیاهی در روزی می‌شود که چهره‌های دوستانیت [در آن روز] سفید می‌شود و چهره‌های دشمنانیت سیاه می‌شود- اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوجِبُ سَوَادَ الْوُجُوهِ يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ أَوْلِيَائِكَ وَ تَسْوَدُ وُجُوهُ أَعْدَائِكَ هنگامی که رو به یکدیگر کرده به سرزنش هم پرداختند! - إِذْ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ سپس به آن‌ها گفته شد: نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من بیشتر به شما اتمام حجت کرده‌ام - فَقِيلَ لَهُمْ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ. «(بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۳۴)

و اگر نبود اینکه حکایت آنها حکایت غافلین از اهل ایمان است، این چنین ندامت پیشه نمی‌کردند و به خدای خود رو نمی‌آوردند «قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ- [و فریادشان بلند شد] گفتند: «وای بر ما که طغیانگر بودیم! امیدواریم پروردگارمان [مارا ببخشد و] بهتر از آن به‌جای آن به ما بدهد، چرا که ما به‌سوی پروردگارمان روی آوردیم». گر گوهر طاعتی نسفتم هرگز / و گر بدی زدل نرفتم هرگز / نوید نیم ز بارگاه کرم / زیرا که ترا دو، نگفتم هرگز / نباید از نظر دور داشت که اینگونه حوادث بیدار کننده در حقیقت اهتدا به عالم غیب است و صحنه‌های هولناک آخرت را پیش چشمان انسان زنده می‌کند تا جایی که در تعبیر عامیانه گفته می‌شود «قیامتی به پا شده بود» و منظور هم همین است که انسان از پشت پرده عالم طبیعت بتواند شمه‌ای از آنچه در آخرت رخ می‌دهد را ببیند؛ «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - اینگونه است عذاب [خداوند در دنیا]، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است اگر می‌دانستند.» و این هدایت دیگر از سوره‌ای است که با «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» شروع شده است یعنی آنکه حقیقتش قرآن کریم است و مظهر اقیانوس نامنتهای علوم الهی. حقیقتی که بندگان خدا را با کشتی ولایتش بسوی درک حقایق جهان آخرت پیش می‌برد.

دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
باشد که باز بینیم دیدار آشنا را
که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را

دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را
کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
به ملازمان سلطان که رساند این دعا را
وصلی الله علی محمد و آل محمد